

۱۵۵۵۰۰۱

خاطرات طهران

به روایت داریوش اسدزاده



www.ketab.ir

سرشناسه: اسدزاده، داریوش، ۱۳۰۲
 عنوان و نام پدیدآور: خاطرات طهران / به روایت داریوش اسدزاده.
 مشخصات نشر: تهران: نشر فاصله، ۱۳۹۷
 مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۵۸-۰-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: تهران - تاریخ / Tehran (Iran) -- History
 موضوع: تهران -- آثار تاریخی / Tehran (Iran) -- Antiquities
 رده: ی کنگره: DSR ۲۰۷۹ / هـ / ۱۳۹۶
 رده: بی: ۱۲۲/۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۷۳۴۸۲

خاطرات طهران به روایت داریوش اسدزاده

◆ نوبت چاپ: اول ◆ ۱۳۹۷ ◆ شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
 ◆ طراح جلد: سیدمهدی مدیرواقفی
 ◆ ویراستار: مرتضی حسینی ◆ صفحه‌آرا: یاسمین حشدری
 ◆ ISBN: 978-600-98658-0-2

دفتر مرکزی و فروش: خیابان دوازده فروردین، خیابان وحید نظری غربی،
 نرسیده به منیری جاوید، پلاک ۹۹، واحد ۸ ◆ تلفن: ۶۶۴۰۰۳۵۴ ◆
 ◆ تمام حقوق این اثر برای نشر فاصله محفوظ است. ◆


 نشر فاصله



www.Faselepublication.com
 Faselepublication@Gmail.com
 Faselepublication

فهرست مطالب

۴	مقدمه
۷	پیش گفتار
۱۱	تهران قدیم
۱۹	لاله زار و خاطرات
۴۳	تماشاخانه‌ی تهران
۵۷	برنامه‌های نمایش در سعدآباد
۶۱	سقوط تئاتر نصر

مقدمه

کتاب بهترین رفیق، ساحل غمخوار، دهنده‌ی فضائل، و درواقع یک دوره‌ی کامل درس انسان‌شناسی است که نویسندگان در آن سیر پیشرفت بشری را مرحله‌به‌مرحله، با بیانی روشن و با ذکر منابع و اخذ متعدد و معتبر، برای خواننده شرح داده‌اند؛ روابط فرهنگ را با عناصر و عوامل گوناگون بازگو کرده‌اند؛ خوانندگان را با تمدن گذشتگان و سیر تکامل فرهنگ و رسوم آنان آشنا و با تمدن و فرهنگ روز مقایسه کرده‌اند؛ همچنین موضوع تاریخ و تحولات جامعه‌ی انسانی، که در پی انقلاب‌های صنعتی رخ داده و اوضاع اجتماعی و اقتصادی، را متحول کرده است، مورد تحلیل و بررسی مولفان و نویسندگان مختلف قرار گرفته و ایشان زوایای پیدا و پنهان آن را برای آیندگان روشن نموده‌اند.

استقرار رژیم‌های دموکراتیک و مداخله‌ی ملت‌ها در سرنوشت خود سبب شده، که حکومت بر انسان‌ها جنبه‌ی انحصاری و اشرافی خود را از دست بدهد. نفوس و درجه‌ی تراکم در زندگی مادی و معنوی جامعه مؤثر بوده و هرگونه فعالیت بی‌دون جمعیت امکان‌پذیر نیست؛ بلکه نیروی اصلی، که مختصات اجتماعی و نوع رژیم هر جامعه را مشخص می‌کند، عبارت است از وسایل تولید و مناظر گوناگون

حیات مادی از قبیل: خوراک، پوشاک، مسکن، سوخت و غیره که برای حیات مادی ضرورت قطعی دارد. در حال حاضر، مورخان و جامعه‌شناسان معتقدند که اوضاع اجتماعی و اقتصادی جوامع بشری باهم مرتبط‌اند و در هم تأثیر متقابل دارند، و از همین رو محققان جدید پدیده‌های اجتماعی و حوادث تاریخی را در رباط بهم و میزان تأثیر و تأثرشان بر یکدیگر را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بدین معنی که در جهان هر پدیده‌ای با پدیده‌ی دیگر و هر واقعه‌ای با دیگر وقایع ارتباط نامستقیم دارد و کسانی که تأثیرگذاری حوادث تاریخی را انکار می‌کنند، بی‌شک به بی‌رهمه می‌زنند، زیرا تفسیر آنان حاصلی جز گمراه کردن افکار عمومی در پی ندارد. در این میان، سیر اریخی ایران در قرون اخیر و تأثیر حوادث تاریخی و فراز و فرود آن در دوران سلطه سنیویه و سپس قاجاریه و پهلوی بر تمامی شئون زندگی ایرانیان خود گواه این مسئله است.

تاریخ نشان داده که زیربنای حکمت‌داری و خوبی و بدی هر جامعه‌ای تفسیرناپذیر است و این تاریخ است که تفاوت می‌کند. در عصری که جنگ و بحران‌های اقتصادی و فقر بر مردم نازل می‌شود بشر بر اثر هجوم بلایا تصور می‌کند بازیچه‌ی دست نیروهایی است که قابل مقابله با آن‌ها را ندارد، ولی حقیقت در این است که معضلات منحصر است به علل اقتصادی بیکاری که ریشه‌ی آن را باید در روش حکومت‌های زمان جستجو کرد. زندگی بشر فاجعه‌ای است خنده‌آور و مضحکه‌ای است جان‌گداز. به قول دانته، «بشر معرف انتالیایی» که در اثر معروفش می‌گوید: «اگر می‌توانستیم خطوط ناحیه‌ی فراوان را که در اوج قدرت و ثروت هستند بخوانیم و سرنوشت آن‌ها را بدانیم، بسیاری از آن‌ها که اینک مورد غبطه‌ی ما هستند مورد ترحم و شفقت ما قرار خواهند گرفت.» به قول فرنگی‌ها این یعنی «تراژدی کمیک».

پیش‌گفتار

معدودی از دوستان صاحب‌دین ناخبرند که مخلص در کتابخانه‌ی محقرم زاویه‌ای را اختصاص داده‌ام به نگه‌داری کتب و اسنادی که به ایران و جهان، این مجموعه با محتویاتش پناهگاه دلخشان است از هجوم غم‌های روزگار جوانی و زجرهای گذشته که هر وقت بار ملال‌هستی بر دوش جانم سنگینی می‌کند و کارهای تصویری ندارم و دلم از ناملاپمات زندگی می‌گیرد، به سراغ این زاویه می‌روم و انبساط خاطری حاصل می‌شود.

به هر حال، شبی بهاری بود. با چند تن از سال‌خوردگان، نشستیم و اساتید دانشگاهی نشسته بودیم در این زاویه و در مورد گذشته‌ها و افراز جوانی گفت‌وگو می‌کردیم؛ از خلیقات مردم و زندگی و صفا و وفا و ایمان آنان را اینکه چگونه شد آن مردم، با آن عواطف و آن سنت‌ها، ناگهان فرو ریختند. شب یلدا بود و سخن به درازا کشید. به این جا رسیدیم که سنت‌ها بستگی به عقاید و باورهای مذهبی دارد و انسان‌ها از همان روزهای نخستین، که در انبوه جنگل‌ها و فراز درخت‌ها و شکاف کوه‌ها و ژرفنای غارها زندگی می‌کردند، از

شگفتی‌های آفرینش و وجود قدرتی برتر و والاتر آگاهی داشتند. در سایه‌ی همان قدرت است که شب به دنبال روز فرا می‌رسد و هوا گاهی به سردی می‌گراید و گاهی به گرمی و در موسمی از زمان، صفا و خرمی از دشت و دمن می‌تراود و در موسمی دیگر، برگ‌های درختان زرد می‌شود و از شاخسارها به می‌ریزد؛ ابر می‌خروشد، باران می‌بارد و گاه چون سیل دمان و خروشان به راه می‌افتد و قسمتی پهناور از زمین را فرا می‌گیرد؛ برف زمستانی زمین را سیم‌فام می‌کند؛ زمین لرزه کوه‌های سربه‌فلک کشیده را به جنبش وامی‌دارد و آتش از کوه‌ها، آتش‌نشان شعله برمی‌کشد و دود و گدازه به همراه می‌آورد و در یک قدم زندگی انسان را به نیستی می‌کشاند و این خود نشانه‌ای است از یک قدرت لایزال نام‌ناشنه که برتر از همه‌ی قدرت‌ها و انکارناپذیر است. ایمان به خدا، که زیربنای مذهب است، سالیان دراز در زمین حکومت داشته و هر شورشی یا جنبشی که رخ می‌دهد، بی‌گمانی از مذهب ریشه گرفته و مذهب در آن حساس‌ترین نقش‌ها را دارا بوده است؛ انقلاب عظیمی که در زمان یزدگرد سوم، پادشاه ساسانی، در ایران رخ داد و رستاخیزی پدید آورد؛ مازیار، بابک، ابن مقفع، ابومسلم، یعقوب، شورش و زیدیان، حکومت اسماعیلیان و جنبش سربداران و بالاخره رژیم و انقلاب مشروطیت، در همه‌ی آن‌ها نقش مذهب به وضوح دیده می‌شود.

به هر حال شبی به یادماندنی بود. غرق در خاطرات گذشته در تهران قدیم و کوچه‌های خاکی تنگ و تاریک و محله‌های قدیمی و در پولک، عودلاجان، پاتاق، دروازه غار، سر قبر آقا، خندق‌های دور شهر، خانه‌های کلون‌دار، منازل وسیع یک طبقه مشجر یا حوض‌های ماهی‌دار، جوی‌هایی با آب‌های گل‌آلود که به انبارهای خانه‌ها سرازیر می‌شد و حمام‌های خزینه‌دار

و چاله حوض های متعفن برای شنای جوانان.

بالاخره دوستان صاحب دل تشویق کردند تا با گرمای جان سخن و روح کلام، خاطرات گذشته از باغ لاله زار را در ذهنم بکاوم و کبوتران در قفس را به واز درآورم و پاس بدارم آن گذشته ها را. باشد که برای آیندگان و دوستان صاحب دل، خاطرات و روح کلام را بازگو کنم و یاد زمان های گذشته را به رشته ی تحریر درآورم، چراکه در فن تاریخ نگاری هدفی نهفته است شریف و والا؛ یاد و روزگارهای گذشته که ما را به سرگذشت و خوی های دولت ها و سیاست ها یادگار می کند. به پیروی از این تجارب و نوشته ها، برای دریافت احوال آنان، باید به منابع متعدد و دانش های گوناگون مراجعه کرد و این مهم، نیازمند تحقیق و جستجوی وسیع است. به قول استاد بیهقی «یا از کسی بیاید شنید و یا از کلام بیاید خواند».

چون این خاطرات مورد علاقه ی دوستان قرار گرفت، به ناچار در شب های متعدد گوشه هایی از گذشته را، که به مرور ایام به فراموشی سپرده شده بود، یادآور شدم.

امید است این مجموعه موردپسند صاحب نظران صاحب دل قرار گیرد و خداوند متعال سرانجام زندگی ما را به نیکی و سعادت خاتمه دهد؛ سرنوشت و آرزوهایمان را به سوی رحمتش ببرد؛ با اصلاح عیوب مان بر ما منت گذارد؛ توشه های ما را به تقوا و کوشش، و تلاش ما را در دین و توکل، و اعتماد ما را تنها بر خودش قرار دهد. چراکه هنر به نوبه ی خود نوعی رستگاری است و آدمی را از خواستن آزادی می بخشد. هنر چراغی است که راه زندگی بشر را روشن می کند. نبوغ هنرمند خدادادی است و به وسیله ی آن دنیا و حقایق را روشن می کند. هنر به احدیت نزدیک است و نوعی رستگاری است.